

## تحلیل سطح ترسیمی آزمون خانواده در کودکان عادی و بد سرپرست (۴ تا ۶ سال تهران)

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی رابطه شاخص‌های تفسیری ترسیم‌شده در آزمون ترسیم خانواده (مدل کرمن) در کودکان است. آزمودنی‌ها، شامل ۵۰ کودک (۲۵ کودک عادی و ۲۵ کودک بد سرپرست)، سنین مابین ۴-۶ سال، دختر و پسر بودند، که با مراجعه به ۴ مهد کودک در منطقه ۳ تهران، و ۳ مرکز نگهداری کودکان بدسرپرست (وابسته به سازمان بهزیستی) در مناطق ۳ و ۵، در سال ۱۳۹۷، به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب مراکز نگهداری کودکان بدسرپرست در دو منطقه، کمبود تعداد این کودکان با شرایط سنی در نظر گرفته شده در یک منطقه، بوده است. در این پژوهش، سطح ترسیمی آزمون خانواده مورد بررسی و تفسیر قرار گرفته است؛ که شامل وسعت نیروی خطوط، ریتم و آهنگ ترسیم، ناحیه ترسیم، جهت ترسیم و از قسمت ساخت صوری پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص است و با استفاده از آزمون (کای دو) و (تی) محاسبه شده است. روش پژوهش،

### الهام خطیری

کارشناس ارشد، دانشکده عمران،  
معماری و هنر، دانشگاه علوم و تحقیقات،  
دانشگاه آزاد اسلامی.

Email: khatiri.elham@gmail.com

### سید مهدی نورانی

(نویسنده مسئول)

استادیار، عضو هیات علمی گروه ارتباط  
تصویری، دانشکده هنر- واحد تهران  
مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی

Email: m.nourani@iauatb.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۴/۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۹

تحلیلی- توصیفی است. در دریافته‌های، قسمت ریتم قالبی، تفاوت معناداری به دست آمده است؛ به این معنا که، احتمالاً کودکان با الگوهای خشک و سخت فکری و رفتاری مواجه هستند و این مساله احتمالاً، به شیوه‌های فرزندپروری والدین مرتبط خواهد بود؛ اما در قسمت‌های دیگر تفاوت معناداری یافت نشد؛ هر دو گروه تقریباً یکسان رفتار کرده‌اند که این مساله قابل تأمل است. زیرا با شرایطی که کودکان عادی دارند و شرایط سختی که کودکان بدسرپرست داشته‌اند و دارند، انتظار می‌رود کودکان عادی در شرایط بهتر و بهنجارتری باشند.

واژگان کلیدی: سطح ترسیمی، آزمون ترسیم خانواده، کودکان عادی، کودکان بدسرپرست

## مقدمه

موضوعی است - تفسیر شود (کرمن، ۱۳۹۵: ۶). مطالعه عمیق اهمیت نقاشی کودکان، سرانجام ما را به روان‌درمانگرانی می‌رساند، که با کودکان کار کرده‌اند و اثر درمانگری نقاشی و سایر فعالیت‌های آفرینشی را دیده‌اند. زمانی که به کودکان، فرصتی برای نقاشی کردن داده می‌شود، احساس بهتری پیدا می‌کنند (فاکس - اپلمن، ۱۳۹۴: ۳۷). نقاشی خانواده، یک مکان منطقی است، برای این که کودکان بینش‌های فردی خود را بیان کنند. بسیاری از متخصصان روان‌درمانگر که در مورد کودکان کار می‌کنند، معتقدند که، نقاشی خانواده، اطلاعات مربوط به پویایی خانواده را از طریق محتوا، محل ترسیم، اندازه، شکل و هم‌چنین جهت ترسیم به ما می‌دهد. روان‌درمانگرها، تعاملات خانوادگی را عموماً یک مساله مهم در درمان می‌دانند. اغلب، آن‌ها به‌عنوان بخشی از ارزیابی و هم‌چنین روش ارتباطی با کودک از نقاشی خانواده، استفاده می‌کنند و از کودک می‌خواهند که خانواده خود را ترسیم کند، تا اطلاعات بیش‌تری جمع‌آوری، و سپس ارزیابی کنند (Malchiod, 1998: 162 A). مک‌آور، معتقد بود که، ترسیم در موقعیت آزمون، یک فرایند عمدی و آگاهانه و شکلی از برقراری ارتباط، میان مراجع و آزمونگر است که می‌تواند دربرگیرنده فرافکنی‌های افراد باشد. (Skybo&Wenger, 2007: 15-27) سؤال پژوهش این است که، کودک عادی و بدسرپرست در سطح ترسیمی آزمون خانواده شامل وسعت نیروی خطوط، ریتم و آهنگ ترسیم، ناحیه ترسیم، جهت ترسیم و از قسمت ساخت صوری، پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص سطح معناداری وجود دارد؟ احتمالاً در قسمت ریتم و آهنگ ترسیم، ناحیه ترسیم و پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص، بین کودکان عادی و بدسرپرست سطح معناداری وجود دارد.

## پیشینه پژوهش

در حوزه روان‌شناسی عادلہ اصلی‌پور (۱۳۸۸)، در مقاله «مقایسه ویژگی‌های ترسیمی کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی در ترسیم خانواده کودکان ۷ تا ۱۰ سال» به نقل از هاشمی به وجود نداشتن تفاوت معنی‌دار در سطح ترسیم اشاره می‌کند. در مقاله شهناز گیلی و همکاران، با عنوان «مقایسه فراوانی ویژگی‌های ترسیمی

در بین فعالیت‌های کودک، نقاشی یک پیام است. آنچه را که او نمی‌تواند به لفظ درآورد، با کشیدن تصویر به ما انتقال می‌دهد. در تمام دوران کودکی تا مرزهای نوجوانی، اغلب کودکان به مجموعه‌ای از فعالیت‌های ترسیمی می‌پردازند و به این ترتیب، روابط متکثری با واقعیت می‌سازند. نقاشی، فعالیتی است که از تحول شناختی، عاطفی و اجتماعی، تأثیر می‌پذیرد و از این‌رو، در شکل‌گیری شخصیت و روان کودک سهم به‌سزایی دارد. بررسی و درک زبان نقاشی، اطلاعات ارزنده‌ای در اختیار والدین، مربیان، روانشناسان و همه کسانی می‌گذارد که خواهان درک و دریافت راز و رمز جهان کودک هستند (نژاد فرید، ۱۳۹۴: ۲۵). به نظر کلگ «کودکان ضمن نقاشی، هم به لذتی حرکتی و هم به لذتی بصری دست می‌یابند؛ و این امر، باعث فعالیت کودکان می‌شود. بعضی از نقاشی‌ها، صرفاً طرح‌هایی تزیینی یا خطوطی هستند که تعریف و توصیف آن‌ها نسبتاً آسان است؛ اما بیش‌تر نقاشی‌هایی که کودکان می‌کشند، تصویر است؛ یعنی بازنمایی چیزی هستند. از جمله عواملی که در تفسیر نقاشی کودکان، به کار گرفته می‌شود، می‌توان طرز قرار گرفتن نقاشی بر صفحه کاغذ، سایه، ضخامت، خط، قوای اجزای کشیده شده، پاک‌شدگی‌ها، تصویر لباس و زمینه را نام برد» (مصايرپور، ۱۳۹۳: ۴۹). کودک به کمک نقاشی کشمکش‌ها و دلهره‌های درونی خود را آشکار می‌کند؛ و بدین طریق، اثر آن‌ها را کاهش می‌دهد (همان: ۵۷). در زمینه نقاشی، نظریه‌های فروید حکایت از آن دارند که، کار هنری کودک، به‌شدت از آرزوها و ترس‌های ناآگاهانه‌اش تأثیر خواهد پذیرفت؛ هرچند بیان این آرزوها، ممکن است شکلی نمادین به خود بگیرد یا پوششی دیگر پیدا کند (توماس و م.ج. سیلک، ۱۳۹۲: ۹۵). اغلب پژوهشگران، معتقدند که هنر نقاشی، چیزی جز بیان احساس‌ها، هیجان‌ها و اندیشه‌ها و کوششی برای تولید یک تصویر نیست (همان: ۱۶۷). کرمن، بر اساس دستورالعمل ترسیم یک منظومه خانوادگی، کوشش می‌کند تا چگونگی مسایل ارتباطی را روشن سازد. ضمن آن که، با استفاده از یک مصاحبه نیمه رهنمودی، پیشنهاد می‌کند که، معنای رمزهای محتوای نقاشی - با روشی که مشابه روش آزمون‌های فرافکن

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، تحلیلی-توصیفی و شیوه گردآوری اطلاعات، به صورت کتابخانه‌ای و میدانی است. در این روش، ابتدا به گردآوری اطلاعات از منابع موجود در کتابخانه‌ها و مقالات پرداخته شده است و سپس به گرفتن آزمون نقاشی خانواده (مدل کرمن)، از کودک و استفاده از روش مشاهده، مصاحبه، پرسش‌نامه در ارتباط با نقاشی کودک و تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب جدول و نمودار، پرداخته شده است. آزمودنی‌ها شامل ۵۰ کودک (۲۵ کودک عادی و ۲۵ کودک بدسرپرست) سن مابین ۴-۶ سال، دختر و پسر بودند؛ که در سال ۱۳۹۷، با مراجعه به ۴ مهد کودک در منطقه ۳ تهران و ۳ مرکز نگهداری کودکان بدسرپرست (وابسته به سازمان بهزیستی) در مناطق ۳ و ۵ تهران، به روش خوشه‌ای تصادفی انتخاب شده‌اند. دلیل انتخاب مراکز نگهداری کودکان بدسرپرست در دو منطقه، کمبود تعداد این کودکان با شرایط سنی در نظر گرفته شده، در یک منطقه بوده است؛ از تمامی کودکان، آزمون ترسیم خانواده گرفته شده و با استفاده از آزمون (کای دو) و (تی) محاسبه شده است. در این آزمون از کودک خواسته می‌شود، تا به ترسیم یک خانواده بپردازد. این دستورالعمل توسط پورو و همکاران در فرانسه، و اپل در آمریکا، به اجرا درآمد. آزمون ترسیم خانواده، این امکان را فراهم می‌سازد، تا بتوان بدون آگاهی کودک، احساسات واقعی او را نسبت به اعضای خانواده‌اش شناخت و موقعیتی را که برای خود در خانواده قائل است، دانست (کرمن، ۱۳۹۵: ۲۷). شیوه اجرای آزمون، به این ترتیب است که، کودک را در مقابل میزی که کاملاً اندازه اوست می‌نشانند؛ و یک برگه کاغذ سفید A4 و یک مداد نوک تیز نسبتاً نرم در اختیار او، قرار می‌دهند. ذکر این نکته مهم است که، مداد به صورتی نباشد که خطوط، پرنگ به نظر بیاید؛ تا بتوان نیروی خطوط را بررسی کرد. دستورالعمل چنین است: یک خانواده را نقاشی کن. با مراجعه به مراکز مورد نظر از کودکان، آزمون ترسیم خانواده گرفته شده است و آزمونگر به مشاهده کودک پرداخته است؛ به خصوص در قسمت «جهت ترسیم»، آزمونگر به صورت مستقیم باید مشاهده کند، که کودک از چه جهتی -راست یا چپ- نقاشی را شروع می‌کند؛ هم چنین آزمونگر ترتیب آدم‌هایی را که کودک می‌کشد، شماره گذاری

کودکان بدسرپرست با کودکان عادی ۵ تا ۱۱ سال بر اساس آزمون ترسیم خانواده»، سطح ترسیمی تنها در قسمت پررنگی و کم‌رنگی خطوط و قسمت پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص بررسی شده است که یافته‌ها با یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، متفاوت است (گیلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۴). در کتاب «نقاشی کودکان: کاربرد ترسیم خانواده در کلینیک» - که یکی از جامع‌ترین کتاب‌ها در زمینه نقاشی کودک است - آمده است: در مبنای ترسیم و حتی قبل از نخستین خط خطی کردن‌ها و پدیدآوری خطوطی که ظاهراً واجد معنایی نیستند، مجموعه پیچیده‌ای از رفتارهای حرکتی، توجید یافتگی‌های ادراکی و کاربرد اطلاعاتی که از این آثار دوام‌دار و مشاهده شدنی به منزله تداوم بدن حاصل می‌شوند، قرار دارد (کرمن، ۱۳۹۵: ۹). مهتاب مصابریور، در کتاب «نقاشی کودکان و مفاهیم آن» بیان می‌کند که یکی از راه‌ها و وسایل پرورش کودکان - که معمولاً کم‌تر مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ولی قبل از هر وسیله و بیش از هر چیز، می‌تواند به آموزش کمک کند - نقاشی است (مصابریور، ۱۳۹۳: ۱۱). آنا اولیوریو فراری در کتاب «نقاشی کودکان و مفاهیم آن»، می‌نویسد: نقاشی کودکان، فقط یک وسیله پرورش خلاقیت و پختگی کودک - و یا شاخص تکامل - نیست و آن را باید به عنوان یک وسیله تحقیق و مبادله با محیط اجتماعی - با دنیای بزرگسالانی که در اطراف کودک هستند - همانند نشان حالات عاطفی کودک، در نظر گرفت (اولیوریو فراری، ۱۳۹۴: ۱۲). پریخ دادستان در کتاب «ارزشیابی شخصیت کودکان بر اساس آزمون‌های ترسیمی» می‌نویسد: کودک همه مسایل زندگی خود را به واسطه نقاشی به تجربه درمی‌آورد، خود را می‌آزماید و (من) خویشتن را بنا می‌کند. خطوط ترسیمی، انعکاسی از دنیای هیجانی او هستند و نقاشی به تنهایی، به منزله جهانی است که به موازات افزایش هشیاری و دگرگونی‌های کودک، متحول می‌گردد (دادستان، ۱۳۹۵: ۱). در این پژوهش، سطح ترسیمی آزمون خانواده در کودکان ۴-۶ سال مورد بررسی قرار خواهد گرفت که بیش‌تر کودکان در ناحیه ۳ تهران، و یک مرکز شبانه‌روزی در منطقه ۵ تهران است؛ تمام سطوح مربوط به ترسیم بررسی خواهد شد و در خواهیم یافت که کودک عادی، با کودک بدسرپرست در آزمون خانواده، چه تفاوت‌هایی دارند.

ضعیم، نازک، نقطه چین، مداوم، عمودی، افقی، زاویه دار، مارپیچ و غیره. ممکن است براق یا مات و یا شفاف باشد؛ بنابراین، خط به تنهایی، توانایی آن را دارد که حالت‌های روانی مختلف، مانند غم، شادی، هوس، خشم، اطمینان به خود و یا مانند نقاشی معاصر، نمادهای مختلف را نشان دهد؛ بنابراین، از ورای خط، چیزی به‌طور مستقیم بیان می‌شود، که ممکن است معرف حالت‌های روحی یا فکری خودآگاه یا ناخودآگاه خالق آن و یا نشانگر خطوط شخصیت وی باشد. آشنایی با خط، به دوران کودکی برمی‌گردد؛ و تقریباً از دوسالگی، به‌صورت عکس‌العمل طبیعی و غریزی هنر انسان بروز می‌کند. در این شرایط، تجسم و ادراک هنری آغاز می‌گردد (حلیمی، ۱۳۷۲: ۷۵).

#### ۱) سطح ترسیمی

۱-۱- وسعت و نیروی خطوط: خطوطی که با حرکتی گسترده رسم شده‌اند و بخش فراوانی از صفحه نقاشی را اشغال کرده‌اند، نمایانگر گسترش حیاتی و سهولت برون‌گردی تمایلات هستند. بالعکس، اگر حرکت از گستردگی کمی، برخوردار باشد و به ترسیم خطوط کوتاه منجر گردد (اگر خطوط طولی، به‌صورت مقطع ترسیم شوند)، می‌توان از وجود وقفه‌ای در گسترش حیاتی و از میل شدید به درون‌گردی، سخن به میان آورد (کرمن، ۱۳۹۵: ۳۶). باید خاطر نشان شود که امکان ترکیب و تألیف نیرو و وسعت، وجود دارد. نیرویی که از راه خط بیان می‌شود، می‌تواند نیرویی برون ریخته باشد- که در محیط پراکنده می‌گردد- یا نیرویی درون ماند باشد، که در درون فرد دچار وقفه است. این نکته، در مورد خطوط کم‌رنگ و ضعیف مصداق دارد. وقتی وسعت گسترش نیروی حیاتی موجب می‌شود که کودک، اشخاص نقاشی خود را به اندازه‌های بزرگ بکشد که از حد کاغذ تجاوز کنند، می‌توان آن را علامت یک توسعه واکنشی دانست که افراط در آن، نشانگر عدم تعادل است. بالعکس، پرنکردن کل صفحه، وقتی نقاشی نسبت به صفحه کوچک است، نشانگر فقدان گسترش حیاتی و وقفه است (همان: ۳۷). پرنکردن تمام قسمت‌های صفحه نقاشی یک برگه کاغذ پرنکردن خط و خطوط، می‌تواند بیانگر سرزندگی، انرژی و ارتباط قوی با جهان پیرامون باشد؛ اما ممکن است شوق فراوان برای داشتن

می‌کند. البته این نکته را باید متذکر شد که کودک، نباید متوجه مشاهده مستقیم آزمونگر در خلال آزمون شود؛ چون ممکن است توجه آزمونگر بر روی نقاشی کشیدن کودک، تأثیر منفی بگذارد. بعد از مشاهده و اتمام نقاشی، آزمونگر از کودک خواسته است، به ترتیبی که، آدم‌ها را کشیده است، بگوید که این‌ها چه کسانی هستند؛ و در پایان کار، با کودک مصاحبه کرده است و ۱۴ سؤال را بر اساس کتاب لوپس کرمن از کودک پرسیده است. پرسش‌ها عبارتند از: ۱. این‌ها کجا هستند؟ ۲. این‌ها چه کار می‌کنند؟ ۳. این‌ها- به ترتیب کشیدن (سن، جنس، نقش)- چه کسانی هستند؟ ۴. این‌ها نسبت به هم چه حسی دارند؟ ۵. کدام یک از همه مهربان‌تر است؟ چرا؟ ۶. کدام یک، کم‌تر مهربان است؟ چرا؟ ۷. کدام یک از همه، خوشبخت‌تر است؟ چرا؟ ۸. کدام یک، کم‌تر خوشبخت است؟ چرا؟ ۹. کدام یک از همه بهتر است؟ چرا؟ ۱۰. اگر این‌ها بخواهند، با یک ماشین بروند مسافرت و در ماشین برای یکی از آن‌ها، جانشین باشد، چه کسی باید در خانه بماند؟ چرا؟ ۱۱. فرض کن تو جزو این خانواده باشی، کدام یک خواهی بود؟ چرا؟ ۱۲. یکی از این بچه‌ها بازگوشی کرده است، کدام یک؟ چگونه او را تنبیه کنند؟ ۱۳. فکر می‌کنی چه کسی را نکشیده‌ای؟ چرا؟ ۱۴. اگر بخواهی دوباره نقاشی کنی، آیا همین شکل را می‌کشی؟ (کرمن، ۱۳۹۵: ۳۱).

#### نقاشی خانواده

نقاشی خانواده، از یک سو، واجد یک شکل و از سوی دیگر، دارای یک محتوا است. در حقیقت، بین عناصر صوری و عناصر محتوایی، غالباً در هم تنیدگی وجود دارد. عناصر صوری نقاشی را نیز برحسب آن که خطوط به‌صورت مجزا در نظر گرفته شوند و یا آن که به ساخت مجموعه‌ای نقاشی توجه شود، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. (همان: ۳۵). در این پژوهش به بررسی دو قسمت ۱) سطح ترسیمی و ۲) سطح ساخت‌های صوری پرداخته خواهد شد.

#### خط در نقاشی کودک

خط بدون وابستگی به محتوا نیز دارای بار شدید بیانی و قدرت وجودی خاصی است که پویایی و بنیان شکل، از آن ناشی می‌شود. خط می‌تواند به اشکال مختلف ظاهر شود:

یک زندگی تمام و کمال را نیز بیان کند (فاکس - اپلمن، ۱۳۹۴: ۱۸۰). پررنگ بودن خطوط نقاشی، نشانه شهامت، خشونت رهاسازی تمایل به لذت بردن است؛ کم‌رنگی خطوط، کم‌رویی، ناتوانی در تأیید خویشتن، روان‌آزردگی، شکست خوردگی و درون‌گرایی افراطی (همان: ۱۴).

**۱-۲- ریتیم و آهنگ ترسیم:** مبحث ریتیم، یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده هنر پویاست؛ که در آثار نقاشی کودکان آگاهانه شکل نمی‌گیرد (جواهری، ۱۳۹۴: ۸۳). غالباً، مشاهده می‌شود که کودک در یک شخص یا از شخصی به شخص دیگر، به تکرار خطوط قرینه‌ای می‌پردازد. این تمایل به تکرار ریتیمی که گاهی تا حد رفتار قالبی پیش می‌رود، در تضاد با نقاشی آزاد - که تابع تخیل است - قرار می‌گیرد؛ و دقیقاً، به این معناست که آزمودنی، بخشی از حالت طبیعی و ارتجاعی خود را از دست داده است و تحت تأثیر قواعد تحمیل‌شده، زندگی می‌کند. در مواقعی که چنین وضعی، صراحتاً مشاهده گردد، می‌توان فرضیه وجود یک روان‌آزردگی و یا لاقل، وجود خصیصه‌های وسواسی را عنوان کرد (کرم، ۱۳۹۵: ۳۷). دلیل این آشفتگی شخصیت، درک یک طرفه واقعیت و ثبوت فکری درازمدت بر الگوهای سخت و خشک فکری و رفتاری است که شخص، موفق به آزاد ساختن خود از چنگ آن‌ها نمی‌شود (اولیور یوفراری، ۱۳۹۴: ۱۹۲).

**۱-۳- ناحیه ترسیم:** به‌طور کلی، کودکانی که ترسیم و نقاشی آن‌ها با تناسب بر روی کاغذ رسم شده، کودکانی آرام هستند. هنگامی که کودک در قسمت‌های مختلف کاغذ، نقاشی‌های مختلفی - که دارای معانی خاص هستند - ترسیم کند، اگر بزرگسالان به‌دقت، کودک را زیر نظر داشته باشند، برای فهم آن، احتیاج به توضیح خود کودک، نخواهند داشت. به‌کارگیری فضا، نشان‌دهنده ارتباط و طریقه واکنش کودک و محیط اطراف او است. پژوهشگران، موضع و محل نقاشی را - که در قسمت‌های مختلف کاغذ کشیده شده - بررسی و تعبیر کرده‌اند. گرایشی که کودک، برای خارج شدن از کادر کاغذ دارد، نه تنها بیانگر خصوصیات کودکان کوچک یا عقب‌مانده‌ای است که کنترل فیزیکی ندارند، بلکه در میان کودکان بزرگ‌تر نیز دیده می‌شود، که دچار کمبود محبت شده‌اند، اعتماد به نفس کم‌تری دارند و متکی به محیط اطرافشان هستند. این کودکان، به‌طور اغراق‌آمیزی در

جست‌وجوی توجه و کمک هستند؛ تا کمبود اعتمادبه‌نفس را - که ویژه افراد نامطمئن است - جبران کنند. کودکان خجالتی و کم‌رو نیز در گوشه کاغذ و یا در قسمت محدودی از فضای کاغذ و یا بر روی کاغذ کوچکی، نقاشی می‌کنند؛ زیرا در مقابل سطح کاغذهای بزرگ، خود را گم می‌کنند و این، نشانگر عدم اعتماد و اطمینان به خود است (همان: ۹۴). ناحیه پایین، نشانه افسردگی، خستگی روانی عصبی، روان‌آزردگی، خودکم‌بینی و ترس از گروه همسالان است. ناحیه بالا، آرمان‌گرا، رؤیاپرداز، کمال‌گرا، خیال‌پرداز و دارای تفکرات فانتزی است. ناحیه چپ، بیان احساسات مستقیم و بلافاصله رفتار کودکانه، شخصیت وابسته، حمایت‌طلب و هرگونه تلاش برای اثبات خویش است. ناحیه راست، آینده‌گرا، استقلال‌طلب، کودک امیدوار است در آینده شرایط بهتری داشته باشد (مصابر پور، ۱۳۹۳: ۱۴). ناحیه وسط، یافتن نقطه وسط، فرآیند روان‌شناختی مهمی است. نقطه وسط یک سطح چهارگوش، نقطه آغاز شکل ماندلا - به معنای دایره جادویی - است؛ زیرا ماندلا با تأکید بر چهار گوشه و تفسیر خاص آن، به وجود می‌آید. ما دنبال نقطه وسط می‌گردیم؛ زیرا امن‌ترین نقطه است. اگر یک نقاشی به دلیل استفاده از گوشه‌ها، از تعادل خاصی برخوردار باشد، این نشان می‌دهد که یافتن نقطه وسط با مقاومت مواجه است (فاکس - اپلمن، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

**۱-۴- جهت ترسیم:** از چپ به راست، حرکت طبیعی و پیش‌رونده است. از راست به چپ، حرکت واپس‌رونده و گذشته‌نگر است. باید نخست اطمینان حاصل کرد که کودک، چپ برتر نیست. اگر آزمودنی راست برتر باشد، حرکت از راست به چپ، نشانگر تمایل شخصیت، به واپس روی شدید است که می‌تواند نتایج مرضی داشته باشد (کرم، ۱۳۹۵: ۱۶).

**۲) سطح ساخت صوری (پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص):** این قسمت دارای دو مؤلف ریخت‌حسی و تعلقی است. ریخت‌حسی، یک ریخت‌ارتحالی و بسیار سرزنده است که نسبت به جو گروه خانوادگی، به حرکت و به گرمی روابط، بسیار حساس است. کسی که دارای چنین ریختی در ترسیم است، بیش‌تر از خطوط منحنی سود می‌جوید، که آن‌ها نیز مبتنی پویایی زندگی هستند. ریخت‌تعلقی، بالعکس،

ریختی است که در آن، لاقط بخشی از حالت ارتجاعی، از راه سانسورها، دچار وقفه و بازداری شده و جای خود را به قواعد انعطاف‌ناپذیری داده است. امری که به باز پدیدآوری رفتار قالبی و تکراری اشخاص ایستا و منزوی، اما اشخاصی که در ترسیم جزئیات دقیق آن‌ها کوشش وافر به عمل آمده است، منتهی می‌گردد. و در ریخت تعقلی بالعکس، خطوط راست و زوایا بر خطوط منحنی غلبه دارد (همان: ۴۶). نکته: استفاده کودک از ریخت حسی (خطوط منحنی) و ریخت تعقلی (خطوط راست) در نقاشی نشان‌دهنده وضعیت بهنجار کودک است.

### ویژگی‌های گروه سنی کودکان در این پژوهش

مرحله پیش عملیاتی (فازی که بر درک مستقیم از محیط متکی است)، خودمحور است. دنیا را به حالت علت می‌بیند (خودش همه‌کاره است)، تصوراتش واضح است خلأقت، کنجکاو و خیال‌پردازی دارد. در یک‌زمان، فقط بر یک موضوع تمرکز دارد. در عمل خود، بیش‌تر با احساس است نه با منطق (مصابر پور، ۱۳۹۳: ۳۵). انتخاب این گروه سنی، به دلیل این بوده است که کودکان پیش از دبستان، اکثراً با اغراق، از واقعیت‌گریزان می‌شوند و سعی می‌کنند، آمال و آرزوها و خواسته‌های خود را بدون هیچ قیدوبندی به تصویر بکشند و این‌گریز، آنان را به سوی خیال‌گرایی «سورئالیسم» متمایل می‌کند. در این شرایط است که ضمیر پنهان آنان، وارد عرصه بیان دیدمانی می‌شود و نقاشی‌های خواب‌گونه را ترسیم می‌کنند (جوهری، ۱۳۹۴: ۵۵). این دوره، یکی از مهم‌ترین مراحل تفکر جادویی است و قوه تخیل کودک، قوی است؛ بنابراین، در تخیل کودک، حیوانات و حوادث، می‌توانند دارای خصوصیات جادویی باشند (فاکس - پلمن، ۱۳۹۴: ۸۸).

### تصورات قالبی درباره کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست

کودکان در مسیر خودشکوفایی و تعالی، با دو مانع جدی روبه‌رو هستند. نخست، فقدان والدین و یا یکی از آن‌ها و به اصطلاح داغ‌دیدگی و دیگری، بدرفتاری والدین، که به جدا شدن کودک از والدین و به سر بردن در مراکز شبانه‌روزی منجر می‌شود. فقدان پدر و مادر، به هر علت

که باشد، بر نحوه رشد اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد. کودک بی‌سرپرست از رابطه عاطفی طبیعی، محروم است و الگوهای معمول برای روابط متقابل با دیگران را دریافت نمی‌کند. گرچه این کودکان را مربی و گروه همسالان حمایت می‌کنند، ولی این حمایت‌ها، نمی‌تواند جای رابطه عاطفی والدین را بگیرد و نقش الگوی مناسب را برای این کودکان داشته باشد (احمدی و قاسمی، ۱۳۷۸: ۲۲). کودکانی که در مراکز شبانه‌روزی نگهداری می‌شوند و آن‌هایی که دارای ناپدیری و نامادری هستند، دارای مشکلات و اختلالات احتمالی می‌باشند؛ و این امر، در کنار مطالبی که در خلال فیلم‌ها و داستان‌های جراید در سطح اجتماع گسترش می‌یابد، منجر به ایجاد یک تصور قالبی درباره این کودکان می‌شود. این تصورات در درازمدت باعث می‌شود، کودک به تدریج رفتارهایی بروز دهد که بعضاً تأییدکننده افکار قالبی موجود درباره او است. واکنش‌های روان‌نژدانه‌ها تحقیقات مختلف نشان می‌دهد، میزان رفتارهایی که در طبقه‌بندی کلی روان‌نژندی می‌گنجد و بخش عمده آن را افسردگی و اضطراب تشکیل می‌دهد، در بین کودکان ساکن در شبانه‌روزی‌ها، بالاتر از کودکان عادی است. همانندسازی و الگوهای ناکافی در مراکز نگهداری کودکانی که در یک مرکز شبانه‌روزی با یکدیگر زندگی می‌کنند، به علت زندگی نکردن با والدین، از نظر همانندسازی و تقلید رفتارهای بهنجار دچار مشکلاتی می‌شوند، به نحوی که نقش والدین را افراد متغیر دیگر، شامل مددکاری، مربی و سایر کودکان بزرگسال ساکن در شبانه‌روزی بازی می‌کنند (نعمتی، ۱۳۹۱: ۵). در یک مطالعه، گزارش شده است: والدینی که در کودکی تنبیه بدنی نشده‌اند، کودکان خود را نیز به همین صورت بزرگ می‌کنند. والدینی که در کودکی، مرتباً مورد تنبیه بدنی قرار گرفته‌اند، گرچه سازگارتر و پرتحمل‌تر به نظر برسند، اما در عمل تنبیهات بیش‌تری در تربیت کردن فرزندانشان انجام می‌دهند (Uttin, 2007: 12). والدین قاطع، بامحبت هستند؛ ولی معیارهای روشنی دارند و از فرزندان، انتظار رفتار درست دارند. آشکار است که باید چنین انتظاراتی با سطح رشد کودک تناسب داشته باشد. در روش مستبدانه، والدین مستبد صریح‌اند؛ ولی آنان خواهان اطاعت کورکورانه و احترام به مراجع قدرت‌اند. آنان، به کودک اجازه جواب دادن نمی‌دهند

فرزندپروری اقتدار منطقی استفاده می‌کنند. شیوه فرزندپروری مقتدرانه، به علت توجه و پاسخ‌گویی مناسب والدین، نقش چشمگیری در رشد شناختی و جامعه‌پذیری افراد دارد؛ مطالعات نشان می‌دهد، کودکانی که بخش اول زندگی‌شان را در پرورشگاه‌ها یا خانواده‌های نامناسب می‌گذرانند، عمدتاً از محیط‌های حمایت‌کننده محروم هستند و بیش‌تر در معرض خطر مشکلات رفتاری، مانند بیش‌فعالی، پرخاشگری، رفتارهای ضداجتماعی و مشکلات هیجانی، مانند اضطراب، افسردگی و عدم تنظیم هیجانی و مشکلات جسمانی، مانند کم‌خونی، اختلال دهنان و دندان و مشکلات پوستی قرار دارند (رجبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۸). مهم‌ترین عامل در شدت اختلال رفتاری، افسردگی، اضطراب و ناسازگاری کودکان، خانواده است، که نقش بنیادی در مهیا ساختن امکانات گذر از وابستگی و ناسازگاری و اختلال رفتاری کودکان ایفا کند (همان: ۳۷). اضطراب

و گفتگو را تشویق نمی‌کنند؛ و چندان هم مهربان نیستند. در روش سهل‌گیرانه، والدین سهل‌گیر، چندان متوسل به تنبیه نمی‌شوند و در ضمن چندان قاعده و قانونی در خانه ندارند، از بچه‌ها هم انتظار رفتار معقول ندارند (ماسن و همکاران، ۱۳۸۳: ۴۰۷)؛ اما شیوه فرزندپروری مستبدانه والدین، به علت استبداد حاکم بر ساختار آن، فقدان بحث و گفتگو و عدم توجه به نیازهای فرزندان، تأثیر منفی بر رشد شناختی و رفتار اجتماعی کودکان دارد. از بین سه شیوه فرزندپروری، شیوه مقتدرانه: روشی است که در آن، والدین ارتباط صمیمانه‌ای با فرزندان خود برقرار می‌کنند. شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه، باعث تضعیف مهارت‌های اجتماعی و قدرت هم‌دلی در کودکان می‌شود (جویباری دهکردی و قربانی، ۱۳۹۴: ۱۵۳). خانواده‌های کودکان بدسرپرست، بیش‌تر از شیوه‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه و کم‌تر از شیوه

جدول ۱. فراوانی مؤلفه‌های دو گروه (50=N) (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

مؤلفه	تقسیم‌بندی مؤلفه‌ها	کودکان عادی	درصد کودکان عادی	کودکان بد سرپرست	درصد کودکان بد سرپرست
وسعت نیروی خطوط	پر نکردن کل صفحه	۱۹	۰/۷۶	۱۶	۰/۶۴
	خطوط کم‌رنگ	۲	۰/۰۸	۲	۰/۰۸
	خطوط پررنگ	۳	۰/۱۲	۵	۰/۲۰
ریتم و آهنگ ترسیم	ریتم قالبی دارد	۲۰	۰/۸۰	۱۲	۰/۴۸
	ریتم قالبی ندارد	۵	۰/۲۰	۱۳	۰/۵۲
ناحیه ترسیم	بالا	۳	۰/۱۲	۶	۰/۲۴
	پایین	۱۱	۰/۴۴	۸	۰/۳۳
	راست	۴	۰/۱۶	۴	۰/۱۶
	چپ	۵	۰/۲۰	۶	۰/۲۴
جهت ترسیم	مرکز	۲	۰/۰۸	۱	۰/۰۴
	بهنجار	۱۷	۰/۶۸	۱۷	۰/۶۸
	مشکل عاطفی-واپس روی کودک	۸	۰/۳۲	۸	۰/۳۲
پویائی ترسیم و تعامل بین اشخاص	خطوط منحنی	۱	۰/۰۴	۲	۰/۰۸
	خطوط راست	۱۴	۰/۵۶	۱۱	۰/۴۴
	خطوط منحنی + خطوط راست	۱۰	۰/۴۰	۱۲	۰/۴۸

جدول ۲. نتایج آزمون مجذور (کای دو) جهت مقایسه مؤلفه‌های دو گروه (50=N).  
(ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

مؤلفه	V**	مقدار کای دو جدول
ریتم و آهنگ ترسیم	۵/۵۵۵	۳/۸۴۱
جهت ترسیم	۰	۳/۸۴۱
ناحیه ترسیم	۱/۹۷۹	۹/۴۸۸
پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص	۰/۶۹۳۲	۵/۹۹۱

جدول ۳. نتایج آزمون تی-استیودنت، جهت مقایسه مؤلفه‌های دو گروه (50=N).  
(ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

مؤلفه	T
وسعت نیروی خطوط	۰/۲۴۲۴

اظهار نظر کرد و تفاوت معناداری یافت نشده است.

### نتیجه‌گیری

در سایر پژوهش‌های مشابه، در قسمت سطح ترسیمی، سطح معناداری وجود نداشته است. نتایج حاصل از این پژوهش، با مقاله‌های عادل‌پور و مقاله شهناز گیلی و دیگران هم‌خوانی ندارد. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول (۱) و (۳)، می‌توان دریافت که: کودکان عادی در ترسیم خانواده (مدل کرمن)، فضای منفی بیش‌تری نسبت به کودکان بدسرپرست داشته‌اند؛ و این امر، نشان‌دهنده عدم هم‌خوانی دو گروه است. پر نکردن تمام صفحه، نشان‌دهنده اضطراب، و وقفه است و در این قسمت سطح معناداری را ایجاد نکرده است. در قسمت خطوط کم‌رنگ و پررنگ، هر دو گروه تقریباً با یکدیگر هم‌خوانی داشته‌اند و با اندکی تفاوت در ترسیم خطوط پررنگ، کودکان بدسرپرست، از خطوط پررنگ بیش‌تری در نقاشی‌هایشان استفاده کرده‌اند که این امر، نشان‌دهنده پرخاشگری بیش‌تری در این کودکان است.

با توجه به جدول (۲)، در قسمت ریتم و آهنگ ترسیم، عدم هم‌خوانی نتایج به دست آمده، سطح معناداری را ایجاد کرده است. کودکان عادی، از ریتم قالبی بیش‌تری در ترسیم

در خلال سال‌های کودکی، مخصوصاً از چهار تا شش‌سالگی افزایش می‌یابد و از لحاظ کمی و کیفی، در کودکان مختلف است و حتی در یک کودک، در زمان‌های مختلف، متفاوت است. کودکان ناموفق‌تر و نامن‌تر - که احساس می‌کنند، توان مواجهه با مشکلات و حل آن‌ها را ندارند - بیش از بقیه، دچار اضطراب می‌شوند. کودکان نگران یا مضطرب، ممکن است ناراحتی خود را درون بریزد و با این کار، آن را تشدید کند یا بیرون بریزد (نوابی نژاد، ۳۸۳۱: ۶۷).

با توجه به جدول (۱)، در قسمت وسعت نیروی خطوط، ۳ مؤلفه، ذکر شده است. به این صورت که، اگر هر کدام از مؤلفه‌ها، در نقاشی هر کودک، اعم از عادی و بد سرپرست، وجود داشت، عدد ۱؛ و در صورت عدم رؤیت مؤلفه، عدد ۰، به نقاشی کودک، داده می‌شود. در این قسمت، با توجه به این که مؤلفه‌های گفته شده، فقط ملاک نمره دهی و محاسبه می‌باشند، لذا، جمع درصد فراوانی مؤلفه‌های وسعت نیروی خطوط، می‌تواند کم‌تر و یا مساوی و حتی بیش‌تر از مقدار یک باشد. در مورد سایر مؤلفه‌ها، مجموع درصد فراوانی مؤلفه‌ها، حتماً برابر با یک خواهد شد. در قسمت ریتم و آهنگ ترسیم، نقاشی‌ها به دو گروه تقسیم شده است؛ لذا، یک نقاشی، فقط در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرد. در قسمت ناحیه ترسیم، نقاشی‌ها به پنج گروه تقسیم شده است؛ لذا، یک نقاشی، فقط در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرد. در قسمت جهت ترسیم، نقاشی‌ها به دو گروه تقسیم شده است؛ لذا، یک نقاشی، فقط در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرد. در قسمت پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص، نقاشی‌ها به سه گروه تقسیم شده است؛ لذا، یک نقاشی، فقط در یک دسته‌بندی قرار می‌گیرد.

با توجه به جدول (۲)، در قسمت‌های جهت ترسیم، ناحیه ترسیم، و پویایی ترسیم و تعامل بین اشخاص، با استفاده از آزمون کای دو، محاسبه شده است و در این قسمت‌ها، فرضیه  $H_0$  رد نمی‌شود؛ در نتیجه، تفاوت معناداری وجود ندارد؛ اما در مؤلفه ریتم و آهنگ ترسیم، فرضیه  $H_0$  رد می‌شود؛ در نتیجه، تفاوت معناداری وجود دارد.

با توجه به جدول (۳)، قسمت وسعت نیروی خطوط، توسط آزمون تی-استیودنت، محاسبه شده است؛ در این قسمت، فرضیه  $H_0$  رد نمی‌شود؛ زیرا نمی‌توان در سطح معنادار 95%



نمودار مقایسه فراوانی مؤلفه‌های دو گروه کودکان عادی و بدسرپرست (N=50)


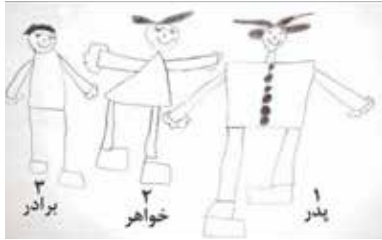
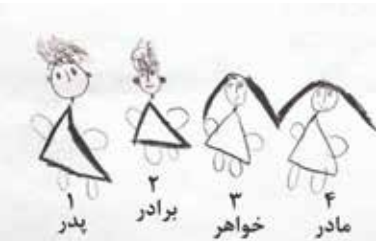









صرف نظر کردن کودکان از خیال‌پردازی، خودکم‌بینی و ترس از گروه هم‌سالان است که نشانگر داشتن مشکل عاطفی در کودکان عادی است. در قسمت پویایی و تعادل بین اشخاص، استفاده از خطوط راست و منحنی، به یک اندازه است؛ اما عدم هم‌خوانی در اینجا، به دلیل استفاده بیشتر کودکان عادی، از خطوط راست (ریخت تعقلی) است؛ که نشان‌دهنده تکراری بودن، ترسیم بدون عمق، اضطراب و وقفه در این کودکان است. در نقاشی کودکان بدسرپرست، هم از خطوط راست و هم از خطوط منحنی (ریخت حسی)، استفاده شده است. با توجه به آنچه در مورد کودکان بدسرپرست، پیش‌تر توضیح داده شد، افسردگی و اضطراب در کودکان بدسرپرست، بیش‌تر از کودکان عادی است. کودکان بدسرپرست دارای شرایطی نامنم هستند و دچار اضطراب بیش‌تری نسبت به کودکان عادی می‌شوند؛ اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، کودکان عادی، به دلیل سطح معناداری که در قسمت ریمت قالبی، ایجاد شده است و سه عامل تأثیرگذار پر نکردن صفحه، ناحیه ترسیم و استفاده از خطوط راست (ریخت تعقلی)، بیش‌تر از کودکان بدسرپرست دچار اضطراب و وقفه شده‌اند.

با توجه به جدول (۴) نمونه‌هایی از نقاشی هر دو گروه گذاشته شده است. شماره‌گذاری در هر نقاشی و اینکه هر فرد چه کسی است، بر طبق اولویت کشیدن کودک است که توسط آزمونگر انجام گرفته است. منظور از راست برتر این

خانواده، بهره برده‌اند؛ که این، نشان‌دهنده امر و نهی والدین و وجود یک روان‌آزردگی است. شیوه فرزندپروری کودکان، به سه دسته تقسیم می‌شود. در شیوه تربیتی سهل‌گیرانه، باید خواسته‌های فرزندان تأمین شود؛ اطاعت از قانون، احترام به مقررات اجتماعی و رعایت آداب اخلاقی، به حداقل ممکن، تنزل می‌یابد. در واقع، فرزندان این خانواده‌ها، به هنجارهای اجتماعی-فرهنگی و اصول و ارزش‌های اخلاقی، چندان توجهی ندارند و این مساله، باعث تضعیف مهارت‌های اجتماعی و قدرت هم‌دلی می‌شود. شیوه فرزندپروری مقتدرانه، باعث رشد شناختی و جامعه‌پذیری کودکان می‌شود و بهترین روش فرزندپروری هست. در شیوه تربیتی مستبدانه، بر قدرت والدین تأکید می‌شود؛ به این معنا که یک نفر، حاکم بر رفتار دیگران است. فرزندان والدین سخت‌گیر، ظاهراً در حالت تسلیم و اطاعت از پدر و مادر به سر می‌برند؛ ولی در واقع دچار هیجان و اضطراب هستند. الگوهای سخت و خشک فکری و رفتاری، نشان‌دهنده شیوه تربیتی مستبدانه است؛ نتایج حاصل از این پژوهش، نشان می‌دهد، شیوه فرزندپروری کودکان عادی، مستبدانه‌تر از کودکان بدسرپرست است. در قسمت ناحیه ترسیم، هم‌خوانی در نتایج به‌دست آمده، نشان می‌دهد که هر دو گروه، از قسمت پایین صفحه، برای ترسیم خانواده استفاده کرده‌اند؛ با این تفاوت که تعداد کودکان عادی، که از ناحیه پایین صفحه استفاده کرده‌اند، بیش‌تر است. این امر، بیانگر خستگی، اضطراب،

جدول ۴. نمونه نقاشی کودکان (ماخذ: نگارندگان، ۱۳۹۷)

نوع	نمونه نقاشی کودکان عادی	نمونه نقاشی کودکان بدسرپرست
راست‌بوتر		
		
		
		
چپ‌بوتر		

است؛ لذا، این آزمون، می‌تواند از کودکان گروه‌های سنی متفاوت و از مناطق دیگر، گرفته شود. این آزمون قابل اجرا برای کودکان با شرایط خاص همچون کودکان تیزهوش یا عقب‌مانده، کودکان مبتلابه اوتیسم، کودکان پرخاشگر، کودکان افسرده و غیره - که هنوز پژوهشی در این باره صورت نگرفته است - می‌باشد.

است که کودک راست‌دست است و چپ‌بوتر یعنی کودک چپ‌دست است که توجه به این نکته در قسمت جهت‌ترسیم بررسی شده است.

#### پیشنهادها

آزمون ترسیم خانواده (مدل کرم)، قابل اجرا تا ۱۵ سالگی

## پی‌نوشت‌ها

۱. آزمون کای دو، یک آزمون پارامتریک است که توسط فیشر ارائه شده و کار اصلی آن، بررسی معناداری تفاوت بین فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار است (پارسیان، ۱۳۹۳: ۳۶۶).
۲. آزمون تی (T) تک نمونه‌ای - که ساده‌ترین نوع آزمون‌های تی است - جهت تعیین این که، آیا میانگین مشاهده شده در نمونه - که به صورت تصادفی از جامعه انتخاب شده است - مقداری برابر با میانگین مفروض جامعه دارد یا خیر، به کار می‌رود.
3. Kellogg.
4. Porot, M.
5. Apple, N.
6. Corman, Louis
۷. استفاده از کنش‌های فیزیکی جای‌کنار آمدن مستقیم با چالش‌ها و صحبت کردن درباره احساسات خود.
۸. روان‌نحوری یا نوروتیسیزم یکی از صفات شخصیتی بنیادین است که با اضطراب، ترس، بدخلقی، نگرانی، حسادت، یأس، غیرت و احساس تنهایی شناخته می‌شود. واکنش افراد مبتلا به عوامل استرس‌زا ضعیف است و احتمال اینکه اوضاع عادی را تهدیدآمیز و ناکامی‌های کوچک را به یأس شدید تعبیر کنند، زیاد است (گنجی و گنجی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).
۹. واپس‌روی. در این مکانیسم، شیوه‌های حل‌مسائل به سبک بزرگسالان، جای خود را به رویکردی کودکانه می‌دهد. واپس‌روی، یعنی بازگشت به مراحل ابتدایی رشد و تکامل است.
۱۰. چپ‌برتر. به فردی گفته می‌شود که در او، تمایل ارتجاعی در به کار بستن دست چپ، غلبه دارد.

## منابع

- اصلی پور، عادل (۱۳۸۸). «مقایسه ویژگی‌های آزمون‌های ترسیمی کودکان پرورشگاهی و غیر پرورشگاهی در ترسیم خانواده»، اصول بهداشت روانی، شماره ۴، ۶۸۳-۶۷۴.
- احمدی، سید احمد و قاسمی، ابوالقاسم (۱۳۷۸). «تأثیر آموزش مهارت‌های اجتماعی بر رشد اجتماعی فرزندان شبه خانواده تحت پوشش سازمان بهزیستی استان اصفهان»، دانش و پژوهش، شماره ۱، ۳۰-۲۱.
- اولیور یوفاری، آنا (۱۳۹۴). «نقاشی کودکان و مفاهیم آن»، ترجمه عبدالرضا صرافان، تهران: دستان.
- پارسیان، احمد (۱۳۹۳). «مبانی احتمال و آمار»، دانشگاه صنعتی اصفهان.
- توماس، گلین و ج. سیلک، آنجله (۱۳۹۲). «مقدمه‌ای بر روانشناسی نقاشی کودکان»، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران: دنیای نو.
- جواهری، محمدحسن (۱۳۹۴). «مبانی و مبانی نقاشی کودکان»، تهران: بیهق کتاب.
- جویباری، علی اصغر؛ دهکردی، مهناز و قربانی، طاهره (۱۳۹۴). «مقایسه نظریه ذهن در کودکان بدسرپرست و عادی»، شناخت اجتماعی، دوره ۴، شماره ۱، ۱۵۶-۱۴۶.
- حلیمی، محمدحسین (۱۳۷۲). «اصول و مبانی هنرهای تجسمی»، جلد ۱، تهران: افست.
- دادستان، پریرخ (۱۳۹۵). «ارزشیابی شخصیت کودکان: براساس آزمون‌های ترسیمی»، تهران: رشد.
- رجبی، مسلم؛ بیگان کوله مرز، محمدجواد؛ بختی، مجتبی و کریمی نژاد، کلثوم (۱۳۹۶). «مقایسه شاخص‌های سلامت روان در کودکان بی‌سرپرست نگهداری شده در مراکز با کودکان سپرده شده نزد اقوام در استان لرستان»، پرستاری کودکان، شماره ۱، ۳۸-۴۷.
- فاکس - ایلمن، ترزا (۱۳۹۴). «نقاشی بازی کودکان از دیدگاه روان تحلیل‌گری»، ترجمه محمدحسین بویرایی و زهره صیاد پور، تهران: آرسباران.
- کرمن، لویس (۱۳۹۵). «نقاشی کودکان: کاربرد آزمون ترسیم خانواده در کلینیک»، ترجمه پریرخ دادستان - محمود منصور، تهران: رشد.
- گنجی، حمزه و گنجی، مهدی (۱۳۹۱). «نظریه‌های شخصیت»، تهران: ساوالان.
- گیلی، شهناز و هاشمیان، کیانوش و پاکدامن، شهلا و ابوالمعالی، خدیجه (۱۳۹۴). «مقایسه فراوانی و ویژگی‌های ترسیمی کودکان بدسرپرست با کودکان عادی تا ۱۱ سال براساس آزمون ترسیم خانواده»، دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی، سال شانزدهم، شماره ۱، ۶۵-۵۴.
- مصابر پور، مهتاب (۱۳۹۳). «نقاشی کودکان و مفاهیم آن»، تهران: پلک.
- ماسن، یاول هنری؛ کیگان، جروم؛ کارول هوستون، آلتا و جین وی کانجر، جان (۱۳۸۰). «رشد و شخصیت کودک»، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز.
- نژاد فرید، علی اصغر و قصدی، رؤیا (۱۳۹۴). «کارکردهای اجتماعی و روانی نقاشی کودکان»، تهران: شمشه خوش نگاره.
- نوابی نژاد، شکوه (۱۳۸۳). «رفتارهای بهنجار و نابهنجار کودکان و نوجوانان و راه‌های پیش‌گیری و درمان نابهنجاری‌ها»، تهران: انجمن اولیا و مربیان.
- A. Malchiod, Catthy, (1998). *Understanding children's drawings*, New York: Guilford Press.
- Uttin, David, (2007). *Parenting and the different ways it can affect children's lives*, research evidence: Joseph Rowntree Foundation.
- Skybo, T. Rayan-Wenger, N. A. & Su, Y. (2007). *Human figure drawings as a measure of children's emotional status*, Critical

review for practice: Journal of Pediatric Nursing, 22(1),

**URLs:**

www. Markazi-behzisti.ir/html/data/files/paper/9104/karbakoda- «کارباکودکان بی سرپرست و بد سرپرست»-  
نعمتی، بتول (۱۳۹۱). (بازیابی شده در تاریخ ۵ تیرماه ۱۳۹۷). kan.docx.docx

Archive of SID